

ردپا

پوکه‌های اسلحه

معمای خانه شماره ۱۳ را بر ملا کرد

شهروند |چند شلیک به دیوارهای سیمانی خانه کافی بود تا پلیس، پرده از راز جنایت فامیلی بردارد. پوکه‌های اسلحه شکاری راز معمایی خانه‌ای را که در آن قتل رخ داده بود برملا کرد.

عقره‌ها ساعت ۸ شب را نشان می‌داد که تماسی مرموز سا پلیس ۱۱۰ اصفهان، کار آگاهان را در برابر قتل پسر جوان قرار داد. با مخایره این خبیر بلافاصله آکببی از ماموران اداره آگاهی به همراه تیم بررسی صحنه جرم به خانه شماره ۱۳ درمحل همدانیان اصفهان اعزام شدند.

داستان یک قتل

وقتی تیم جنایی برای تحقیق پسا به خانه مرموز گذاشتند، هرگز تصور نمی‌کردند با داستان‌سرایی عجیب خانواده روبه‌رو شوند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد پسر جوان صاحبخانه به نام شهروز بر اثر شلیک گلوله به پیشانی‌اش به قتل رسیده است. دیوار خانه با شلیک چند گلوله سوراخ شده بود و نشان می‌داد مقتول در هنگام قرار هدف شلیکی مرگبار قرار گرفته است. کار آگاهان بلافاصله با کشیدن نوار زرد رنگ در مقابل خانه تجسس‌های خود را آغاز کردند. خانواده مقتول درباره این جنایت به کار آگاهان گفتند: «حدود یک ساعت قبل که ناگهان ۴ مرد ناشناس وارد خانه‌مان شدند. محمد در راه‌پله‌ها بود که او را به رگبار بستند و متواری شدند.»

هوشیاری کار آگاهان

همین ادعا کافی بود تا ماموران برای شناسایی عاملان این جنایت مرگبار صحنه حادثه و پوکه‌های شلیک‌شده را تحت بررسی قرار دهند. اما با بررسی پوکه‌هایی که به دیوار اصابت کرده بود ناگهان ورق ماجرا برگشت و کار آگاهان در برابر راهه‌گویی خانواده مقتول قسر گرفتند. پوکه‌های گلوله روی دیوار و بدن مقتول نشان می‌داد، قتل بر خلاف ادعای خانواده شهروز با یک اسلحه شکاری صورت گرفته است. همین ضد و نقیض‌گویی‌های خانواده مقتول، ظن کار آگاهان را در برابر معمای مرگ شهروز قرار داد. تا این‌که در پشت پام این خانه از ناگفته برملا شد. ماموران در زمان تجسس در پشت‌بام این خانه با اسلحه شکاری روبه‌رو شدند که هنوز بوی داغ باروت در دهانه آن به مشام می‌رسید. خانواده مقتول که در برابر بیست قانون قرار گرفته بودند، پرده از راز جنایت مرگبار پسرشان برداشتند.

جنایت‌خودکشی

برادر بزرگتر شهروز که از اولین دقایق حضور ماموران قصد داشت با داستان‌سرایی کار آگاهان را از مسیر اصلی جنایت دور کند وقتی در بن‌بست قانون گرفتار شد، چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت و به قتل برادرش اعتراف کرد. سرهنگ کار آگاه ستار خسروی رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان در رابطه با این جنایت‌خودکشی به «شهروند» گفت: «صحر چهارشنبه گذشته کارآگاهان پلیس آگاهی پس از اطلاع از وقوع یک قتل با شلیک گلوله در محل وقوع قتل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مقتول که مردی تقریباً ۲۷ساله بود با شلیک گلوله جان باخته بود.» خانواده مقتول در ارایه جزئیات صحنه قتل به ماموران گفتند: « ۴ نفر ناشناس پس از ورود به خانه آنها، مقتول را به گلوله بسته و فرار کردند.» با توجه به این‌که گلوله‌ها از تفنگ شکاری شلیک شده بود کار آگاهان به اظهارات خانواده مقتول مبنی بر به رگبار بستن او مشکوک شدند و پس از بازرسی از منزل مقتول یک سلاح شکاری کشف کردند. شواهد نشان می‌داد به تازگی از این سلاح شلیک شده است. با مشخص شدن این مساله، برادر مقتول دستگیر شد و مورد بازجویی‌های پلیسی قرار گرفت که به قتل برادرش اعتراف کرد و به کار آگاهان گفت: «اعتیاد برادرم همه ما را کافه کرده بود و روز حادثه با هم درگیر شدیم.وی به پایین راه‌پله رفت و من هم تفنگ شکاری را برداشتم و برای این‌که او را بترسانم به سمت وی شلیک کردم. او ابتدا زیر راه‌پله‌ها رفت، اما یک لحظه سرش را بیرون آورد تا ببیند من در چه وضعیتی هستم، من نیز در همان لحظه برای این‌که او را بترسانم شلیک کردم که تیر به سرش برخورد کرد.»

آن چه که به قتل انجامید

شهروز مدت‌ها بود که شیشه مصرف می‌کرد. روز حادثه وقتی پدر و خواهرش بیرون از خانه بودند، بلوک‌های سیمانی را روی بالکن خانه چید تا خانواده‌اش به‌راحتی وارد ساختمان نشوند و تهدیدی برای جان آنها باشد. شاهین برادر بزرگ‌ترش وقتی در جریان این موضوع قرار گرفت ناگهان اسلحه شکاری‌اش را برداشت. در حال تهدید شهروز بود.دعویاش به داخل راه‌پله‌ها خانه کشیده شد که شاهین دست به شلیک زد. شلیک اول، شلیک دوم به دیوار اصابت کرد و شهروز در همین زمان خودش را به پایین پله‌ها رساند. او که باور نداشت برادرش قصد کشتن او را داشته باشد وقتی سرش را از بین نرده‌های پله، بالا آورد ناگهان هدف شلیک گلوله تفنگ شکاری قرار گرفت و به قتل رسید. بنا بر این گزارش، تحقیقات برای روشن شدن زوایای مهم پرونده ادامه دارد.

حادثه

تنها عکاس زن در مناطق آلوده به مین در گفت و گو با شهروند مطرح کرد

میادین مین از نگاه یک زن

◀ دختر آبادانی اولین بانویی است که لحظه‌به‌لحظه پاکسازی میادین مین را در قاب دوربینش ثبت کرده است



که شما آمده‌اید جای مناسبی برای یک خانم نیست اما آن قدر گوشش به این حرف‌ها به‌دکرا نبود. درست به خاطر دارم آقای صادقی همان روزهای اول گفت برای بودن در این کار باید عاشق مردم بود. حتی روزهای اول خانواده‌ام نیز نسبت به تصمیمی که گرفته بودم خیلی نگران بودند و مخالفت می‌کردند اما آن قدر روی تصمیمی که گرفته بودم اطمینان داشتیم که سرانجام همه مخالفان جزوموافقان شدند.»

فیلم‌هم‌ساختم

اما کار صابری به همین عکس گرفتن ختم نشد و او حتی یک فیلم آموزشی هم در زمین پاکسازی میادین‌های مین ساخت. وی دراین‌باره گفت: «پس از یک مدت که تقریباً بیشتر تیم‌های پاکسازی من را شناخته بودند و می‌دانستند برای تصویربرداری و عکسبرداری به مناطق جنگی می‌روم سازمان مین‌زدایی کشور با من تماس گرفت و درخواست کرد که یک فیلم آموزشی برای پاکسازی نیز بسازم که عاشق این حرفه شده بودم دست به کار شدم و پس از چندسال تلاش تهیه کردم و تحویل دادم.»

خاطرات یک بانوی عکاس

صابری خاطرات زیادی هم از مدت ۴ ساله که فعالیتش را در این زمینه آغاز کرده است دارد؛ خاطرات تلخ و شیرینی که در گوشه ذهنش به یادگار مانده است. او از خاطرات شیرینش می‌گوید: «شیرین‌ترین خاطره برای من همان عکس‌هایی است که از بچه‌های پاکسازی گرفتم‌ام

اما در این میان اتفاقات جالبی هم گاهی اوقات رخ می‌دهد. یکی از این اتفاق‌ها برمی‌گردد به همان روزهای ابتدایی که وارد میدان مین شده بودم و عکس می‌گرفتم. برای این‌که یک نفر وارد میدان مین نشود باید اصولی را رعایت‌کنند. مهم‌ترین اصول استفاده از لباس‌های مخصوص است. مثلاً کفش‌های مخصوصی است که حدوداً ۵ کیلووزن دارد. خوب پوشیدن این کفش‌ها برای من آن هم در روزهای اول، کار بسیار دشواری بود و راه رفتن هم خنده‌دار بود اما حالا راحت‌تر از کفش‌های معمولی می‌توانم با آنها راه‌بروم.»

اما صابری خاطرات تلخی هم دارد. او گفت: «یکی از بدترین خاطراتم مربوط می‌شود به مجرد شنیدن یکی از بچه‌های پاکسازی به نام مرزئی افرادی که آن روز در منطقه جزایه عملیات پاکسازی در حال انجام بود و من هم درحال عکس گرفتن از مرتضی بودم. چند دقیقه‌ای به طرف دیگر میدان رفتم تا از بقیه‌اعضای گروه پاکسازی نیز عکس بگیرم که ناگهان متوجه صدای انفجار مهیبی شدم. صدای انفجار در میدان مین یعنی یک حادثه. وقتی خودم را به محل انفجار رساندم با بدن غرق در خون مرتضی روبه‌رو شدم. او پایش رو می‌رفته بود اما خوشبختانه از ناحیه پا دچار آسیب شده بود و انفجار باعث مرگش نشده بود. یکی دیگر از خاطرات تلخ هم مربوط می‌شود به شهادت یوسف سلیمانی که از بچه‌های پاکسازی که در فکه جان‌شان را از دست داد.» در این سال‌ها حتی چند بار می‌تزدیک خود صابری قربانی مین‌ها شدم. وی دراین‌باره

نیز گفت: «یک‌بار برای عکس گرفتن از یک مین عمل نکرده وارد گودالی شدم. عکسم را که گرفتم و از گودال بیرون آمدم دیدم همه با چشمانی از حذقه بیرون زده به من نگاه می‌کنند. وقتی از آنها جریان را پرسیدم گفتند در این گودال یک مین عمل نکرده وجود داشته که تیم‌های تخریب قرار بوده آن را خنثی‌کنند به همین خاطر دیگر پرچم نگذاشته‌بودند و خطر از بین‌گوشم گذشت.»

واما آرزوی بانوی عکاس

صابری در ادامه اضافه می‌کند: «تنها دلخوشی من این است که توانستم تمام لیکنند بچه‌های پاکسازی را ثبت کنم. افرادی که در گرمای سوزان تابستان و سرمای استخوان‌شکن زمستان بدون هیچ منتی یک پاکسازی میادین مین را مرتضی افرادی که حتی در ماه رمضان با زبان روزه به پاکسازی می‌پردازند اینها باقیمانده همان زرمندگانی هستند که جان‌شان را کف دستشان گذاشتند و برای مردم کشورشان جانفشانی کردند.» وی ادامه می‌دهد: «من به‌عنوان کسی که از نزدیک با مردم جنگ‌زده در ارتباط بوده‌ام از مسئولان می‌خواهم که به داد آنها برسند. جنگ برای همه تمام شده اما برای مردم مناطق جنگی که آلوده به مین است هنوز ادامه دارد. تا به امروز کودکان زیادی که یک روز بمروم می‌شود به شهادت یوسف سلیمانی که از بچه‌های پاکسازی که در فکه جان‌شان را از دست داد.» در این سال‌ها حتی چند بار می‌تزدیک خود صابری قربانی مین‌ها شوم. وی دراین‌باره



کلاهبرداری‌های مشابه از معزازه‌داران محدوده‌های ناصرخسرو، بهارستان، جوادیه، میدان امام خمینی (س) و...اعتراف کردند.

با اعترافات صریح متهمان پرونده، به چندین

آذیر

وحشت در اردوی دانشجویان قم

شهروند | اردوی دانشجویی با حادثه‌ای خونین پایان یافت. واژگونی مینی‌بوس حامل دانشجویان استان قم در ۱۷ کیلومتری محور دلچیان- اصفهان یک کشته و ۲۰ مجروح برجای گذاشت. این درحالی است که حال ۲ نفر از دانشجویان هم وخیم گزارش شد.

بامداد روز شنبه وقتی مینی‌بوس دانشجویان در جاده دلچیان به اصفهان در حال حرکت بود ناگهان از جاده منحرف شد. چند ثانیه نفسگیر آغاز شد. سرنشینان وحشت‌زده فریاد می‌زدند که در یک چشم بر هم زدن مینی‌بوس واژگون شد. با اعلام این خبر بلافاصله نیروهای امدادی به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد مسافران این مینی‌بوس دانشجویانی بودند که برای اردو به اصفهان می‌رفتند. عملیات نجات آغاز شد. اما یک نفر از سرنشینان مینی‌بوس به علت شدت جراحات به کام مرگ فرو رفت و ۲۰ نفر از مسافران نیز مصدوم شده بودند. امدادگران بلافاصله دانشجویان را به بیمارستان امام صادق (ع) شهرستان دلچیان منتقل کردند. ۲ نفر از مصدومان که به شدت مصدوم شده بودند تحت عملیات جراحی قرار گرفته و ۱۸ نفر دیگر به صورت سرپایی درمان شدند.

سرهنگ مهدی حسینی رئیس پلیس‌راه فرماندهی انتظامی استان مرکزی در رابطه با علت این حادثه گفت: «کارشناسان پلیس‌راه علت اصلی این واژگونی را بی‌احتیاطی از سوی راننده مینی‌بوس به علت عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از تخطی از سرعت مطمئنه در جاده لغزنده و همچنین قصور از جانب اداره راه شهرستان دلچیان به علت عدم آیین‌سازی راه پیرامون بهینه‌بودن سطح آسفالت‌اعلام کردند.»

-
-
-

سارقان، ۲ کیف گنجان‌ها را رها کردند

پلیس به دنبال ردی از سارقان ۲ کیف گران‌بهاست که در سناریویی عجیب چند ساعت بعد از سرقت، کیف‌ها را داخل یک خودروی دیگر رها کردند.

ساعت ۷ صبح ۲۷م‌آبان‌ه‌ای یکی از مغازه‌داران خیابان کلخ جوانان شوش، ماموران کلانتری ۱۱۶ مولوی را در جریان ماجرای مرموز قرار داد. این مرد در ادعاهایش گفت: وقتی که قصد داشتم به خانام بروم متوجه شدم درصدنی عقب خودرو ۲ کیف حاوی مدارک قرار دارد.

این درحالی است که‌من مسافر کشی نمی‌کنم. سرهنگ جلیل موقوفه‌ای سرکلانتر هفتم پلیس پایتخت با اشاره به بازرسی کیف‌ها در مقر نظامی و در حضور رئیس کلانتری گفت: «در بازرسی از کیف‌ها پنج جلد سند مالکیت آپارتمان و ویلا، شش جلد بنچاق مربوط به زمین، شرکت و املاک، سه عدد مهر مربوط به شرکت‌های ساختمانی، تعداد زیادی قرارداد مربوط به شرکت، ۱۲ چک با امضا و تاریخ وصول به ارزش بیش از ۲۰میلیارد تومان و سه چک سفید امضا به علاوه یک جلد پاسپورت مربوط به مردی کشف شد. ماموران بلافاصله با شماره تلفنی که از اوراق به دست آمد، مالک کیف را در جریان ماجرا قرار دادند. این مرد پس از حضور در کلانتری به ماموران گفت خودرواش را در خیابان نواب پارک کرده و بعد از مدتی که سرقت کیف‌هایش از داخل خودرو شده است.» در بررسی‌های بعدی مشخص شد که موضوع صحت داشته و پرونده در کلانتری ۱۰۸ نواب به ثبت رسید. با توجه به این‌که ماموران پلیس اجازه هیچ‌گونه اقدامات خلاف قانون و نامن کردن شهر را به سارقان و سوءاستفاده‌کنندگان نخواهند داد تحقیقات برای دستگیری سارقان مرموز این خودرو ادامه دارد.

-
-
-

قاچاق مواد مخدر با آمبولانس حمل جنازه

وقتی راننده خودروی آمبولانس در ایست بازرسی پلیس متوقف شد هیچ‌کس تصور نمی‌کرد با این خودرو ۶۰کیلوگرم تریاک باشد. ماموران فرماندهی شهرستان انار حین انجام ماموریت خود، به یک خودروی مخصوص حمل جنازه که به مقصد اصفهان در حال حرکت بود مشکوک شدند. با توقف این خودرو در ایست بازرسی پرده از جاسازی مواد مخدر در داخل خودرو برداشته شد. قاچاقچیان حرفه‌ای توانسته بودند ۶۰ کیلوگرم تریاک را در بدنه خودرو جاسازی کنند.

سرهنگ جعفر غضنفری فرماندهی انتظامی شهرستان انار در رابطه با این خبر گفت: «مجرمان و قاچاقچیان از شیوه‌های جدید و گمراه‌کننده‌ای جهت حمل مواد استفاده کرده بودند که هوشیاری پلیس این ترغند آنها را خنثی کرد و در این زمینه یک متهم هم دستگیر شد.»

-
-
-

زلزله در جزیره جنوبی

زلزله‌ای به بزرگی ۴٫۹ ریشتر استان هرمزگان را لرزاند.زمین‌لرزه ۴٫۹ ریشتری در ساعت ۴:۷ روز یکشنبه جزیره لارک در استان هرمزگان را لرزاند. با اعلام آیین‌خبر بلافاصله نیروهای آریاب به منطقه زلزله‌زده اعزام شدند. تا لحظه تنظیم این خبر، گزارشی از خسارات احتمالی این حادثه اعلام‌نشد.